

دکتر موسیقی و سرود موسسه «شهرستان ادب»، آلبوم «سلام» را با شعر و روایت علیرضا قزوه تولید می‌کند. سلام عنوان یکی از تازه‌ترین محصولات دفتر موسیقی و سرود موسسه شهرستان ادب است که طی روزهای پیش رو با شعر و صدای علیرضا قزوه روند تولید خود را آغاز خواهد کرد. در این آلبوم موسیقایی، حسین پاسرافر آهنگساز و جواد بابایی و محمد سعدی به عنوان خواننده حضور دارند. این در حالی است که علیرضا قزوه

علیرضا قزوه با «سلام» به بازار موسیقی می آید

شاعر و روایت شنیداری قطعات این آلبوم را به عهده دارد. دفتر موسیقی موسسه فرهنگی- هنری شهرستان ادب با مدیریت امیرحسین سمیعی با هدف ترویج موسیقی فاخر و استفاده از موسیقی برای شناساندن ادبیات فاخر و انقلابی به دوستداران فرهنگ تأسیس شده است. این گروه از زمان تأسیس تاکنون (زمستان ۹۶) بیش از هشت قطعه موسیقی تولید کرده که «چگونه رهایت کنم»، سروده و دکلمه محمدحسین نعمتی، شاعر و روایت شنیداری قطعات این آلبوم را به عهده دارد. دفتر موسیقی موسسه فرهنگی- هنری شهرستان ادب با مدیریت امیرحسین سمیعی با هدف ترویج موسیقی فاخر و استفاده از موسیقی برای شناساندن ادبیات فاخر و انقلابی به دوستداران فرهنگ تأسیس شده است. این گروه از زمان تأسیس تاکنون (زمستان ۹۶) بیش از هشت قطعه موسیقی تولید کرده که «چگونه رهایت کنم»، سروده و دکلمه محمدحسین نعمتی،



برای شهدای انفجار هواییمای ارباس با موشک آمریکایی، «خلاصه همه بغض‌های تاریخم»، سروده و دکلمه علی محمد مودب، در پاسداشت شهید حاج رجب محمدزاده، «مرز ما عشق است» سروده سیدمحمدمهدی شفیعی، خوانندگی امیرحسین سمیعی، برای مدافعان حرم، «کاغذ باد»، غزلی از محمدحسین نعمتی، باآوازاشکان کمانگری و«قلندر» باشعری از مهدی جهاندار و به خوانندگی بهرام پاییز از جمله آنهاست.

برنامه‌هایی مثل شب‌های مافیا، پدرخوانده و ارتش سری هم چون مسابقه هستند، مخاطبان بعضی بازیکنان را دوست دارند و بعضی را نه. وقتی آن بازیکنانی که دوست دارند در یک مسابقه می‌بازند، میزان رضایت هم پایین می‌آید. بالعکس هم اگر بازیکنان محبوب مخاطبان برنده بازی شوند، میزان رضایت هم بیشتر می‌شود. یعنی میزان رضایت پایین در این برنامه‌ها نشانه افت کیفیت نیست. [۴] یکی از بحث‌های مرتبط با برنامه‌های شما، ناهمگونی محبوبیت و سطح کیفی بازیکنان است. معمولاً در هر سری سه چهار بازیکن گل می‌کنند و حرفه‌ای ظاهر می‌شوند اما باقی بازیکنان کیفیت لازم برای چنین مسابقاتی را ندارند. وقتی بازیکنانی مثل حامد آهنگی، مجید واشقانی و ... نیستند، باعث افت مسابقه و نارضایتی مخاطبان می‌شود.

چون دو سه سال است مشغول ساخت این برنامه‌ها هستیم و همه نظرات مخاطبان را می‌خوانم و حتی به برخی در شبکه‌های اجتماعی هم جواب می‌دهم، تأکید می‌کنم این یک کار نمایشی با متن از پیش مشخص نیست که بازیگر متن را حفظ و اجرا کند. این برنامه‌ها کاملاً واقعی هستند و ممکن است یک بازیکن حاضر در این نوع برنامه در حوزه فعالیت خود مثل بازیگری، ورزش، اجرا و موسیقی چهره خیلی شاخصی باشد اما در این مسابقه موفقیت خوبی نداشته باشد. این طور هم نیست که همیشه همه بازیکنان خوب باشند. بعضی بازیکنان در برخی برنامه‌ها خوب هستند و در بعضی دیگر خوب نیستند. اصطلاحاً بازیگران روزهای خوب و بد دارند. اسامی که شما گفتید در همین ژانر مطرح شدند و درخشیدند.

[۴] یکی از امتیازات این دست برنامه‌ها همین است که بعضی بازیکنان حتی بهتر از شاخه‌های فعالیت‌شان درخشیدند و چهره شدند.

همین طور است و بعضی از دوستان در رئالیتی‌شو خیلی خوب هستند و ما هم از این بابت خوشحالیم. برای همین مخاطب انتظار دارد ما از این ۱۵-۱۰ بازیکن شاخص این مسابقات در برنامه‌های دیگر هم استفاده کنیم. بعضی از آنها را هم به برنامه‌های دیگر دعوت می‌کنیم، چون این افراد موتور این نوع بازی‌های فکری هستند.

[۴] این مساله و کمبود بازیکن حرفه‌ای، باعث تکرار برنامه‌ها هم می‌شود. یکی از دلایلی که می‌گوییم این سه برنامه به هم شباهت دارد، همین حضور بازیکنان و چهره‌های تکراری است. در مجموع و تا اینجا در این سه برنامه، ۴۴ بازیکن بصورت تکراری حاضر بوده‌اند.

ما رئالیتی‌شو‌ها را با حضور ۲۰ بازیکن انجام می‌دهیم. هر بار که یک برنامه جدید را شروع می‌کنیم، سعی در ایجاد ترکیبی از بازیگران برنامه‌های قبلی و حضور چهره‌های جدید

داریم اما گاهی به دلایلی چون همان خواست مخاطبان برای حضور بازیکنان شاخص و مشغله کاری این افراد، گاهی بازیکنان تکراری هم در برنامه‌ها حضور دارند. چرامن سراغ ساخت پدرخوانده رفتم؟ چون بازی شب‌های مافیا بعد از چند فصل، جذابیتش را برای مخاطب از دست داد. ضمن این‌که هم بازیکنان و هم مخاطبان بعد از دو سال کاملاً بازی را یاد گرفته بودند و باید تغییریاتی در جهت پیشرفت و پیچیدگی بیشتر بازی انجام می‌دادیم. در واقع با آسیب‌شناسی شب‌های مافیا و برخی حساسیت‌های مخاطبان، سعی کردیم برنامه‌ای متفاوت و جذاب‌تر به عنوان پدرخوانده بسازیم. به عنوان مثال وقتی دیگران به بحث اسلحه را به بازیکن می‌داد، ممکن بود صدایی شنیده و حدس‌هایی زده شود اما در پدرخوانده به همه بازیکنان اسلحه دادیم تا این مورد را برطرف کنیم. نکته دیگر این‌که در شب‌های مافیا، تقریباً از دقایق ۵۰ و ۶۰ نتیجه بازی لو می‌رفت و مخاطب اواخر مسابقه را دوست نداشت اما در پدرخوانده تمهیداتی چون کارت حرکت آخر و نقش تازه را اضافه کردیم تا نتیجه بازی حتی در دقایق پایانی مشخص نباشد. با این حال پدرخوانده همان بازی شب‌های مافیاست. اما در ارتش سری نوعی بازی ساختم که کاملاً در اتاق فکر ما طراحی شده و هیچ مدل خارجی ندارد. ما ساعت‌ها درباره بخش‌های مختلف بازی بحث می‌کنیم و خروجی آن را می‌سنجیم. مثلاً هنوز بحث داریم شب معارفه را در

رئالیتی‌شویی که اخیراً تصویربرداری آن تمام شد «صد» به معنی ضد جاسوسی است. جنگ بین جاسوس‌ها و ضد جاسوس‌ها و یک بازی استدلالی و استنتاجی است. عین همین برنامه را سال ۱۴۰۰ به نام سناتور به شبکه آموزش ارائه داده بودم. اما در بخش خصوصی

سه ماه قبل بعد از برآورد هزینه سفارش تولید دادند و من هم روزهای پایانی سال ۱۴۰۱ فیلمبرداری کار را تمام کردم. یعنی پروسه تولید در شبکه نمایش خانگی بین یک ماه تا ۴۵ روز شروع می‌شود. من کار در تلویزیون را دوست دارم و به آن اعتقاد دارم و مخاطبان عمومی تلویزیون برایم اهمیت دارند. همه کشور و همه طیف‌ها برنامه‌های تلویزیون را می‌بینند. برنامه‌سازی برای تلویزیون لذتبخش است چون همه می‌بینند. اما آثار پلتفرم‌ها را کسانی که شرایط مالی بهتری دارند، می‌بینند و بقیه هم غیرقانونی نگاه می‌کنند.

[۴] آمار رضایت از ارتش سری در پلتفرم ۸۷ درصد است که به نسبت فصل‌های اول شب‌های مافیا که ۹۷ درصد بود، درصد پایینی به حساب می‌آید. آمار رضایت از ارتش سری در مقایسه با رضایت مخاطبان از پدرخوانده هم در جایگاه پایین‌تری قرار دارد. فکر نمی‌کنید این مسأله نشانه کاهش علاقه و رضایت مخاطبان نسبت به تکرار این‌سبیل برنامه‌هاست؟

پایین بودن میزان رضایت در شروع یک برنامه از جنس بازی‌های فکری، طبیعی است اما با استمرار پخش و ارتباط مخاطب با آن رشد می‌کند. الان میزان رضایت مخاطب از ارتش

سری به ۹۳ درصد رسیده که رضایت‌بخش است. نکته دیگر تفاوت درصد رضایت مخاطب در هر برنامه و ژانر است. ضمن این‌که مطلقاً تعیین‌کننده واچ‌تایم و میزان بازدید نیست. به عنوان مثال میزان رضایت از یک قسمت شام ایرانی ۹۲ درصد بود اما قسمتی هم داشتیم که میزان رضایت ۲۵ درصد بود ولی آن قسمتی که میزان رضایت کمی داشت از آن قسمت با میزان رضایت بالا، بیشتر دیده شد. چون این برنامه‌هایی که می‌سازیم، شبیه مسابقه است.

هنوز هم بخش زیادی از برآورد برنامه را ندادند، درحالی‌که یک سال هم از پخش برنامه گذشته است. اما شبکه نمایش خانگی این طور نیست و از روزی که طرح را ارائه می‌دهیم تا موقعی که کار پخش می‌شود، گاهی کمتر از ۴۵ روز طول می‌کشد.

[۴] این شاید فقط مربوط به عقیه و تجارب موفق شما باشد. نه، ربطی به من ندارد. من همان ابوطالب تلویزیون هستم. تلویزیون هم به من اعتماد دارد و مدیران رسانه ملی لطف دارند ولی این بروکراسی آذیت‌کننده است. کار و اصلاحی که در شبکه نمایش خانگی در کمترین زمان ممکن و حتی از طریق دوسه تا تماس تلفنی اطلاع‌رسانی و انجام می‌شود در تلویزیون فرایند خیلی پیچیده‌ای دارد.

[۴] یعنی دلیل اتراق فعلی شما در شبکه نمایش خانگی همین مسأله‌است؟

نه، من همین الان طرح «اتاق فرار» را در شبکه دو دارم. من اگر بهترین برنامه‌ساز در زمینه رئالیتی‌شو نباشم، لااقل می‌توانم مدعی باشم که می‌توانم یک اتاق فرار خوب برای تلویزیون بسازم. من به‌جز اینها طرحی شبیه شب‌های مافیا به نام سناتور برای شبکه آموزش دارم. این طرح را سال گذشته ارائه دادم و گروه هم تصویب کرد. طرح‌های دیگری در شبکه‌های دیگر دارم که هرکدام را به من بگویند بساز در کمتر از یک ساعت به دفتر مدیر گروه می‌روم و می‌گویم من هستم. من می‌توانم با همان سرعتی که برای پلتفرم می‌سازم برای تلویزیون هم بسازم. طرح دیگری به نام چریکه یا یاسگاه مرزی برای شبکه نسیم دارم که سال ۱۴۰۰ مصوب شد و سال گذشته هم برآورد هزینه آن را انجام دادند. هر دو سه ماه یک‌بار مدیر طرح و برنامه شبکه نسیم تماس می‌گیرد و یک خبر خوب در این خصوص می‌دهد که می‌خواهیم بسازیم اما هنوز هم هیچ خبری نشده‌است. [۴] در مصاحبه قبلی که با هم داشتیم، از ساخت برنامه‌ای به نام «بیروت، شمال شرق» خبر دادید. ظاهراً بعد از چند سال هنوز از تولید آن هم خبری نیست.

بله، قرار بود سال ۹۲.۹۱ این سریال را برای شبکه یک بسازم. سریالی جاسوسی که خدوم فیلمنامه آن را نوشته بودم و درباره جنگ اطلاعاتی ایران و اسرائیل است. قرار بود کل سریال در لبنان ساخته شود. یک سالی گذشت و سازمان هزینه نگارش پنج قسمت آن را پرداخت کرد اما بعداً جریان بهار عربی پیش آمد و تلویزیون گفت تولید این سریال از اولویت ما خارج شده‌است. نام مجموعه

بالتر است یا «جبران»؟ قطعاً گیلدخت. سریال خیلی خوبی است. حالا «جادوگر» بهتر است یا گیلدخت؟

[۴] حتماً گیلدخت. تمام شد و رفت.

[۴] نظرم لزوماً نه از نظر برتری کیفی نیست، بلکه به خاطر هیاهو و تبلیغات، پوست شیر، جبران، رهایم کن، سقوط، آکتور و ...

همین آکتور را که مثال زدید، با دقت دیدم. سریال شاخصی نیست.

[۴] مقصود من کیفیت نیست، بحث کنجکاوی و هیاهویی است که این سریال ایجاد می‌کند. به هرحال نوید محمدزاده و احمد مهرانفر در آن بازی می‌کنند و ...

مگر احمد مهرانفر در سریال‌های تلویزیونی بازی نمی‌کند؟ [۴] بله. اتفاقاً در مجموعه پایتخت هم حضور موقتی دارد.

احمد مهرانفر پایتخت به مراتب از احمد مهرانفر آکتور بهتر است. بنابراین خدما من را به عنوان رسانه‌ملی در نقطه حضیض و پایین بنبینیم. بسیاری از تولیدات تلویزیون به لحاظ کیفی از اغلب تولیدات شبکه نمایش خانگی بهتر است. منتها ما در تلویزیون هزاران دقیقه تولید می‌کنیم، چون بحث پرکردن آنتن هم مطرح است اما شبکه نمایش خانگی حجم تولیدات کمی دارد و معمولاً در هر مقطع زمانی هر پلتفرم یکی دو سریال بیشتر ندارد. اما در آن واحد، هر شبکه تلویزیون یک تا چند سریال دارد. در چنین وضعیتی گاهی یک سریال خوب مثل گیلدخت تولید و پخش می‌شود و خیلی از آثار هم انتظارات را برآورده نمی‌کنند. باز یک مقدار از این ضعف به بودجه برمی‌گردد؛ چون در تلویزیون ناچار هستید برای سنین و سلاقی مختلف و با هر قیمتی تولید کنید. ما شبکه چهار را داریم که تعداد مخاطبانش کم است اما این اصلاً برای این شبکه نقطه ضعف نیست، چون مخاطبان خاصی دارد و نباید خودش را در رقابت با شبکه سه ببیند. با این نگاه و تقسیم‌بندی ما سریال‌ها و برنامه‌های خیلی خوبی در تلویزیون داریم. به جز این، برنامه‌های معمولی و برنامه‌هایی هم داریم که تحت فشار زمانی و بودجه ساخته شده‌است. اما یکی از تفاوت‌های شبکه نمایش خانگی و تلویزیون این است که سلیقه نمایش خانگی دچار بروکراسی عذاب‌آور نیست. یعنی من همزمان که در شبکه نمایش خانگی «رالی ایرانی ۲» را می‌ساختم، برنامه «۷۷ ساعت» را در تلویزیون شروع کرده بودم. از زمانی که من طرح «۷۷ساعت» را به تلویزیون ارائه دادم و تصویب شد تا روزی که ساخته شد و به نمایش در آمد سه سال طول کشید.

آموزش

دوره «قاصدک» برای نوجوانان

نخستین دوره متمرکز و حضوری آموزش شعر و داستان کودک و نوجوان با عنوان «قاصدک» تیر ۱۴۰۲ از سوی خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار می‌شود.

عموم ادب‌جویان و علاقه‌مندان شعر و داستان برای ثبت‌نام در دوره آموزشی «قاصدک» می‌توانند تا ۱۲ تیر با مراجعه به پایگاه نقد شعر به نشانی www.naghdedastan.ir و www.naghdesher.ir به نشانی www.naghdedastan.ir بعد از ثبت‌نام اولیه، برگه ثبت‌نام این دوره را در حساب کاربری خود تکمیل و نمونه اثر ارسال کنند.

بر اساس این فراخوان، نمونه اثر تألیفی در بخش داستان کودک و نوجوان باید حداقل یک اثر و در بخش شعر کودک و نوجوان نیز سه قطعه شعر تألیفی باشد. با متخیزان از سوی معاونت شعر و ادبیات داستانی خانه‌کتاب و ادبیات ایران تماس گرفته خواهد شد و برای شرکت در دوره دعوت می‌شوند. گفتنی است در انتهای این دوره آموزشی، از برگزیدگان برای حضور در دوره پیشرفته دعوت خواهد شد.

فرهنگ

CULTURE

سه‌شنبه ۶ تیر ۱۴۰۲ ■ شماره ۶۵۲۲

پدرخوانده نشان دهیم یا نه. ممکن است مخاطبان حرفه‌ای با حذف شب معارفه موافق باشند اما در آن صورت مخاطب عمومی را از دست می‌دهیم؛ چون بیش از این‌که این برنامه یک رقابت باشد، یک شو است. ارتش سری برنامه‌ای است که همه اصول آن با بازی مافیا فرق دارد. به خاطر سریال ارتش سری یک حس نوستالژیک دارد و به همین دلیل از آقای سعید مظفری یکی از گویندگان آن سریال برای گویندگی در این برنامه هم استفاده کردیم.

[۴] طراحی لباس جزو چشم‌اسفندیار این برنامه است و به نظر می‌رسد بعضی لباس‌ها اندازه و مناسب بازیگران نیست.

قبول ندارم. اتفاقاً یکی از مزیت‌های این برنامه صحنه و لباس آن است. به هرحال در بحث لباس هم ممکن است بازیگر قبل از حضور جلوی دوربین عوض شده باشد و هم آن لباسی که زیر لباس اصلی می‌پوشد تأثیری روی لباس نقش نگذارد. ضمن این‌که این لباس‌ها نظامی و تاریخی است و با لباس مجلسی فرق می‌کند. مهم این بود که ما به اصل فیلم وفادار بمانیم تا احساس نوستالژیکی که مخاطبان آن سریال داشته‌اند، حفظ شود. جز این ارتش سری بازی ساده‌تری دارد و آن را برای مخاطبی ساختیم که حوصله پیچیدگی پدرخوانده را ندارد. برای همین بیشتر مخاطب آن خانواده‌ها و کودکان هستند.

اما پدرخوانده و شب‌های مافیا را جوان‌ترها می‌بینند. آن تکراری که می‌گویم گاهی در برنامه‌ها هم خودش را نشان می‌دهد و بازیکنان به دلیل حضورهای مداوم در این مسابقات، اشتباه‌های لفظی می‌کنند. مثلاً امیرحسین رستمی در ارتش سری به جای استفاده از واژه بازیزان از کلمه شهر (شهروند) استفاده کرد. اینها طبیعی است و ما حتی در تدوین هم آن را حذف نمی‌کنیم. خاصیت رئالیتی‌شو همین است.

[۴] چرا با محمدرضا علیمردانی داده‌اید؟

خیلی دوست داشتیم باز هم با او همکاری کنیم، خودش هم خیلی دوست داشت. اما چون او در آن مقطع خیلی قرارداد داشت، متأسفانه نتوانست برای پدرخوانده با ما همکاری کند. این برنامه در یک پلتفرم دیگر ساخته شده‌است.

یکی از بحث‌ها هم درباره هزینه چنین برنامه‌هایی است که حتماً به دلیل حضور چند چهره در هر قسمت، بالااست.

دستمزد بازیکنان و این چهره‌ها را پلتفرم یا اسپانسر پرداخت می‌کند که گاه دستمزدش از آنچه آنها در سریال‌ها می‌گیرند، بالاتر است. با این حال هزینه برنامه ما یک پنجم سریال‌های شبکه نمایش خانگی است. یعنی به نسبت این‌که ۴۰ بازیگر داریم، اصلاً برنامه گران نیست. چون هزینه‌های سنگین برای زمان کوتاه تولید نداریم و بازیگران بلا استثنا دوستانه در تمرینات حاضر می‌شوند و برای این مدت دستمزد نمی‌گیرند.

[۴] صفر تا صد تولید هر سری برنامه چقدر طول می‌کشد؟

همزمان با ساخت دکور و طراحی نور، تمرین بازیکنان هم انجام می‌شود. صفر تا صد تولید هر فصل هم سه ماه زمان می‌برد.

[۴] به نظر می‌رسد میان رئالیتی‌شوهایی همچون سرزمین دانایی، رالی ایرانی و شب‌های مافیا بیشتر به همین‌آخری و مدل برنامه‌های استدلالی و استنتاجی علاقه‌مندید که دو نسخه دیگر شبیه آن را ساختید.

من و گروه بزرگی که کار می‌کنیم اتفاقاً به رئالیتی‌شوهایی از جنس رالی ایرانی که در لوکیشن‌های خارجی و طبیعت انجام می‌شود، بیشتر علاقه داریم اما الان مخاطب رئالیتی‌شوهایی از جنس بازی‌های استدلالی و استنتاجی مثل شب‌های مافیا و پدرخوانده و ... را بیشتر دوست دارد. ضمن این‌که بازی‌هایی مثل رالی ایرانی امکان تجربه و اتفاق میان خانواده‌ها را ندارد اما مافیا امکان تجربه دارد.

البته مافیا یک بازی روسی است که پیشتر در کافه‌ها و جمع‌های تئاتری بازی می‌شد اما برنامه شما هم نقش مهمی در تشدید آن داشت.

ما البته بازی مافیا را هنجاری کردیم، چون مدلی که در کافه‌ها بازی می‌کردند با الان هم کم و بیش بازی می‌کنند، نقش‌هایی چون معشوقه، جادوگر، گوگرد، ماسون، شیطان و ... دارد که با فرهنگ ما همخوانی ندارد. ما این نقش‌ها را حذف یا تبدیل کردیم. همچنین خشونت و ادبیاتی را که متناسب با رسانه نیست هم کنار گذاشتیم. همین تغییرات بود که باعث شد شب‌های مافیا محبوب خانواده‌ها شود. پخش و محبوبیت این برنامه باعث شد در کافه‌ها هم مافیا را به شیوه شب‌های مافیا بازی کنند. می‌دانم به تاگی هم در بعضی کافه‌ها پدرخوانده بازی می‌کنند. برای این‌که مشکل طولانی بودن بازی‌هایی چون شب‌های مافیا و پدرخوانده را هم حل کنیم، یک بازی جدید به نام «صد» طراحی کردیم.

قاب

فراخوان طراحی دیوارنگاره‌های شهدا

فراخوان طراحی گرافیکی در بخش‌های دیوارنگاره‌ها، یادمان‌ها و تابلوهای شهدا با موضوع «ایثار و شهادت» با هدف تأثیرگذاری در مخاطبین و ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت، توسط معاونت فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان‌های استان تهران منتشر شد. بازیگری در طراحی تابلوهای شهدا در ورودی شهرها، تأثیرگذاری در مخاطبین و ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت و ایجاد رقابت سازنده بین طراحان و فعالان حوزه تبلیغات اهداف این فراخوان است. علاقه‌مندان جهت شرکت در فراخوان می‌توانند تا اول مرداد ۱۴۰۲ به آدرس navideshahed.com/fa/forms/677 مراجعه و ثبت‌نام کنند.

تقدیر جشنواره جهانی دانشجو از «بی‌قاب» ایران

جشنواره جهانی دانشجو (Student World Impact Film Festival) از فیلم «بی‌قاب» ساخته مه‌ران احمدی و تهیه‌کنندگی ساناز فتوره‌چی تقدیر کرد. جشنواره تأثیر جهانی دانشجو معروف به «SWIFF» رویدادی بین‌المللی است که با تمرکز بر فیلم‌های دانشجویی هر سال در نیویورک آمریکا برگزار می‌شود



و از بهترین آثار این حوزه تقدیر می‌کند. بی‌تاب داستان مردی آشفته را به نمایش می‌گذارد که برای حل مشکلاتش به روانکاو مراجعه کرده است. او فرزند خود را تنبیه می‌کند، همان طور که در گذشته خودش تنبیه شده و دوران کودکی تاریکی داشته است. او تلاش می‌کند با کمک روانکاو به دنیای رازآلود تاریک و روشن کودکی خود دست پیدا کند که ناگهان ... ساناز فتوره‌چی، علیرضا سروش، احمد آکشته، رویا خوش سیرت و بازیگران خردسال آریو سلیمانی، نیکا هوشیار، آرین براتی و یاسمن براتی بازیگران این فیلم هستند. این فیلم در ۲۴ اسفند ۱۴۰۱ گران خصوصی و تحلیل شد و در جشنواره شبکه جهانی لیفت اف انگلستان و نیز دومین دوره جشنواره Golden FEMI 2023 حضور داشت.